

نگاهی به الوشیعة فی نقد عقاید الشیعة و ردیه های آن

احمد رنجبری حیدریاگی

کارشناس ارشد کلام شیعه

آنچه در پی می آید گزارشی است از نقدهای عالمان، متفکران و مرزداران اندیشه شیعی - اسلامی درباره آثار موسی جارالله و پاسخی به تذکار و تذکر فقیهان ارجمند پس از نشر مقاله پیشین

نویسنده مقاله اکنون سال هاست که در حوزه کلام شیعی (مهدویت) و نیز تاریخ ادبیات شیعی و اسلامی در قفقاز و اوراسیا به پژوهش و بررسی مشغول است. مؤلف در پی اولین آشنایی با موسی جارالله به تکاپو افتاده و برای شناساندن بهتر و بیشتر وی که در میان عالمان شیعی با دو اثر مسائل جارالله و الشیعة فی نقد عقاید الشیعة معروف گشته به ترجمه مقاله ای با محوریت زندگی، اندیشه و آثار جارالله روی آورد که در شماره پیشین آیین پژوهش به چاپ رسید که چگونگی آن و مسائل مرتبط با آن مقاله را در سرمقاله همین شماره آورده ام.

نگارنده بعد از اطلاع از این که حتی در دو کنگره برگزار شده با عنوان «خوانش آثار موسی جارالله بیگیف» در کشور روسیه با شرکت نهاد های دینی - تبلیغی ایران به معرفی آثار جارالله و ردیه های آن پرداخته نشده، چکیده مقاله حاضر را برای ارائه در سومین دور این همایش به دبیرخانه کنگره ارسال می کند که به پژوهش وی توجهی نمی شود.

این مقاله را اینجا می آوریم با آنچه در سرمقاله آمده برای نشانگری درباره چگونگی مواضع و تطور اندیشه ها

آینه پژوهش

اشاره

یک) حدود دو سال پیش اولین بار با نام الوشیعة و نام موسی جارالله با پسوند «روسی» در یکی از کتاب های درسی مرتبط با شبهه شناسی آشنا شدم. پسوند «روسی» برایم بسیار غریب می نمود؛ زیرا تاکنون کتاب های زیادی در ردّ شیعه نوشته شده و این مایه تعجب نبود، ولی روسی بودن مؤلف برایم تعجب آور بود. هر چه بیشتر گشتم کمتر مطالب دندان گیری پیدا کردم. در اثنای جستجو با مقاله ای نسبتاً خوب و جامع در دایرة المعارف اسلام ترکیه^۱ مواجه شدم که آن را به فارسی ترجمه کرده و به عنوان تحقیق کلاسی به استاد آن

۱. مدخل «جارالله» در جلد ۳۱، ص ۲۱۴ - ۲۱۶، دایرة المعارف اسلام ترکیه (İslâm Ansiklopedisi) به چاپ رسیده است.

چکیده:
ردیه های دانشمندان شیعه بر دو کتاب مسائل جارالله و الوشیعة موسی جارالله بر دو دسته تقسیم می شود. دسته ای مربوط به یک مورد از موارد مطرح شده در دو کتاب مذکور است. دسته ای دیگر از ردیه ها عهده دار پاسخ به بیش از یک موضوع یا بیشتر موضوعات مطرح شده در مسائل جارالله و الوشیعة است. نویسنده در نوشتار حاضر می کوشد گزارشی از محتوای برخی از این ردیه ها را ارائه نماید. وی در راستای این هدف، نخست برخی از آگاهی های بدست آمده درباره موسی جارالله و نیز توجه او به شیعه و باورهای آنان تا قبل از نگارش نقد بر شیعه مرور می کند. در ادامه، به معرفی مسائل جارالله و الوشیعة پرداخته و چاپ های مختلف الوشیعة را برمی شمرد. در انتها، ردیه های دانشمندان شیعه بر مسائل جارالله و الوشیعة را معرفی می کند.

کلیدواژه:

کتاب الوشیعة فی نقد عقاید الشیعة، ردیه، رد شیعه، عقاید شیعه، موسی جارالله، نقد شیعه، مسائل جارالله، ردیه های شیعه.

درس ارائه کردم. در همان روزها در پی بررسی درباره این شخصیت از طریق چندین سایت اینترنتی ایرانی متوجه شدم که در روسیه و در شهر سنت پترزبورگ، دو دوره بزرگداشت برای موسی جارالله تحت عنوان «خوانش میراث موسی جارالله بیگلیف» برگزار شده، میهمانانی نیز از ایران در این بزرگداشت حضور یافته و به ایراد سخن پرداخته‌اند. راقم سطور نیز تصمیم داشتم با نگارش مقاله‌ای تحت عنوان «نگاهی به الوشیعة و ردیه‌های آن» در همایش سوم که قرار بود در ۲۷ - ۲۹ آوریل ۲۰۱۶ برگزار شود شرکت کنم. بخشی از مقاله را نوشتم و براساس روش مرسوم همایش‌ها، چکیده مقاله (به زبان روسی) را به ایمیل همایش ارسال کردم که تا امروز هیچ جوابی به آن داده نشده است. طبیعتاً عوامل برگزارکننده با توجه به عنوان مقاله فکر کرده‌اند که مضمون مقاله در رد موسی جارالله خواهد بود و ارائه چنین مقاله‌ای در آن محفل که بزرگداشت موسی جارالله است خوب که نیست، قطعاً مضر و مخمل است.

بعدها به نظرم آمد که پس از انتشار ترجمه فارسی مدخل جارالله دایرةالمعارف اسلام ترکیه، مناسب است مقاله ابترمانده را (با وجود عدم دسترسی به منابع کافی به دلیل مسافرت) به سرانجام برسانم و برخی از اطلاعات به دست آمده در این ماه‌ها را به جامعه علمی ارائه کنم «تا که قبول افتد و که در نظر آید».

دو) در این مجال دیگر به شرح زندگی و افکار جارالله نمی‌پردازم. خوانندگان محترم برای آگاهی از کلیت سوانح عمری و اندیشه‌های موسی جارالله به مقاله «موسی جارالله؛ دانشمند و متفکر مسلمان تاتار» چاپ شده در دو ماهنامه آینه پژوهش (شماره ۱۵۹، تابستان ۱۳۹۵، صفحه ۱۲-۱۷) مراجعه کنند.

سه) در ادامه برخی از آگاهی‌های به دست آمده درباره موسی جارالله و نیز توجه او به شیعه و باورهای آنان تا قبل از نگارش نقد بر شیعه را مرور می‌کنیم. دانسته نیست که آیا موسی جارالله قبل از سفر هفت ماهه یا یک سال و اندی^۲ به عراق و ایران، از نزدیک با شیعیان جاهای دیگر مثل داغستان و افغانستان و هند ارتباطی داشته یا نه؟ بنابراین اولین آشنایی جارالله با جامعه، اندیشمندان، اندیشه‌های فقهی و کلامی و نیز منابع شیعی نیازمند بررسی و مراجعه به آثار جارالله است.^۳

جارالله در کتابچه تاریخ القرآن و المصاحف، (چاپ شده به سال ۱۳۲۳ ق / ۱۹۰۵ م) درباره عدم تحریف قرآن از دیدگاه شیعه چنین نوشته است: «و علماء الامامية رحمهم الله تعالى أجل من يقولوا قد وقع نقص في القرآن بمكرابي بكر او امر عثمان. والشيخ الصدوق ابو جعفر محمد بن علي بن بابويه والسيد المرتضى علم الهدی ذو المجد ابو القاسم علي بن الحسين الموسوي، والقاضي نور الله في مصائب النواصب والامام الطبرسي في مجمع البيان هؤلاء أعلم علماء الامامية وأعلام امتنا الاسلامية قد قالوا بامتناع وقوع التغيير في القرآن وقالوا ان العلم بتفاصيل القرآن وأبعاضه كالعلم بکله وجملته فمن رام في اسقاط بعض آیات نزلت فليسع اولاً في رفع كل القرآن وکتّم أخبار انتشارت، وما نقل من بعض علماء الشيعة من سقوط بعض آیات نزلت فلا يرى ان ذلك كان رأياً لهم يروونه انما ذلك من جملة بقايا أخبار كانت تنشر من عند الذين يحبون أن تشيع الفاحشة والفتنة في المسلمين».^۴

در زمان چاپ تاریخ القرآن و المصاحف، جارالله ۳۲ سال داشته و در زمان چاپ الوشیعة، ۶۳ سالگی خود را سپری می‌کرده. ببینید در این نقل قول علمای امامیه را با چه عباراتی ستوده است: «هؤلاء أعلم علماء الامامية و اعلام امتنا الاسلامية». او حتی باور به تحریف قرآن توسط برخی علمای شیعه را توجیه می‌کند: «وما نقل من بعض علماء الشيعة من سقوط بعض آیات نزلت فلا يرى أن ذلك كان رأياً لهم يروونه انما ذلك

در این مجال دیگر به شرح زندگی و افکار جارالله نمی‌پردازم. خوانندگان محترم برای آگاهی از کلیت سوانح عمری و اندیشه‌های موسی جارالله به مقاله «موسی جارالله؛ دانشمند و متفکر مسلمان تاتار» چاپ شده در دو ماهنامه آینه پژوهش (شماره ۱۵۹، تابستان ۱۳۹۵، صفحه ۱۲-۱۷) مراجعه کنند.

۲. «جلت في بلاد الشيعة طولا وعرضا سبعة اشهر و زیادة...» (الوشیعة، ص ۲۴) و «اما سياحتي في البلاد العراقية و الإيرانية فقد دامت سنة و زیادة و كانت صعبة و أفادتني دروساً جدیداً» (الوشیعة، ص ۲۳).

۳. عاملی که پژوهش درباره جارالله را کمی مشکل کرده، یکی این است که حجم قابل توجهی از آثار جارالله به ترکی است. دلیل دیگر در دسترس نبودن آثار اوست، حتی آن دسته از آثاری که به عربی است.

۴. تاریخ القرآن و المصاحف، ص ۳۰.

من جملة بقایا أخبار كانت تنشر من عند الذين يحبون أن تشیع الفاحشة والفتنة في المسلمين».

موسی جارالله پیش تر در رساله ای پیش نهاد کرده که مذهب شیعه را در کنار مذاهب اربعه به عنوان پنجمین مذهب به رسمیت بشناسند. جارالله از این رساله نامی نبرده و به سال نگارش یا انتشار آن نیز اشاره نکرده است. وی در الوشیعة آورده چنین نوشته است: «وقد ألفت في سابق الأزمنة رسالة اقترحت فيها على العالم الاسلام أن يعترف بمذهب الشيعة الإمامية مذهباً رسمياً خامساً بين المذاهب المعروفة في عالم الإسلام».^۵

همچنین وی درباره کتابخانه خود و نحوه آشنایی اصول اعتقادی و مسائل فقهی شیعی با نوشته است: «كنت أعرف أصول الشيعة الإمامية من الكتب الكلامية وكانت مكتبتى الغنية تحتوى على كثير معتمد من كتب الشيعة الإمامية الفقهية. قد درستها واستفدت منها استحسنت الكثير من مسائلها وأحكامها».^۶ وی نام برخی از آثار را که مطالعه کرده آورده است: «اصول وفروع الكافي، التهذيب، من لا يحضره الفقيه، الوافي، مرآة العقول، مجلداتی از بحار الانوار، غاية المرام فی تعیین الامام و...»^۷

نیز درباره روش مطالعه و برداشت از متون شیعی این گونه نوشته است: «طالعها باهتمام على قدر استطاعتى برغبة كاملة لاستفادة ونية صادقة خالصة في الإفادة على حسب عادتي وطبيعتي. ومنذ ضعفت فصارت تختاننى في حفظها حافظتى وكانت لا تطاوعنى في التذكير ذاكرتى، جعلت في الإحتياط والإحتيال أقيد كل كلمة وكل مسألة أستحسنها وكل مسألة أستغربها أو أنكرها في دفاترى باسم الكتاب ورقم صفحاته لتسهيل المراجعة».^۸

غیر از کتب قدیم شیعی چند اثر زیر را نیز مطالعه و بررسی کرده است: اصل الشیعة و أصولها (تألیف علامه محمد حسین کاشف الغطاء)،^۹ الدین و الاسلام (از همو)،^{۱۰} کشف الغطاء (تألیف شیخ جعفر کاشف الغطاء متوفای ۱۲۲۷ ق).^{۱۱}

نویسنده الوشیعة دیدارهایی هم با برخی از مراجع و بزرگان شیعه داشته است. از آن جمله دیدار با محمد حسین کاشف الغطاء در قدس و نجف (دو بار: یکبار در منزل کاشف الغطاء که در همان جلسه علامه کتاب اصل الشیعة و أصولها به او می دهد و بار دیگر که جارالله در نماز به وی اقتدا کرده است).^{۱۲}

بین موسی جارالله و علامه سید محسن امین هم دو دیدار صورت گرفته است. یک بار در کوفه (۱۳۵۲ ق) و یک بار در تهران (۱۳۵۳ ق در سه روز).^{۱۳} در دیدار کوفه، جارالله در مورد تقیه و متعه از علامه امین، علت مشروع بودن آن در نزد شیعیان را جویا شده که در همان مجلس پاسخ گرفته است. علامه امین در مقدمه نقض الوشیعة در مورد همین دیدار می نویسد: اگر وی از این جواب ها قانع نشده بود، چرا ناتمام بودن استدلال را همان جا آشکار نکرد و بدان اعتراض نکرد تا به صورت محکم تر و با دیگر دلایل این مسائل برایش روشن گردد.^{۱۴}

بین موسی جارالله و علامه سید محسن امین هم دو دیدار صورت گرفته است. یک بار در کوفه (۱۳۵۲ ق) و یک بار در تهران (۱۳۵۳ ق در سه روز). در دیدار کوفه، جارالله در مورد تقیه و متعه از علامه امین، علت مشروع بودن آن در نزد شیعیان را جویا شده که در همان مجلس پاسخ گرفته است.

۵. الوشیعة، ص ۱۰۸.

۶. الوشیعة، ص ۱۰۸.

۷. الوشیعة، ص ۱۰۸ و ۱۳۳.

۸. الوشیعة، ص ۱۳۳.

۹. الوشیعة، ص ۲۳۷، ۲۶۰ و ۳۵.

۱۰. الوشیعة، ص ۳۶.

۱۱. الوشیعة، ص ۳۱.

۱۲. الوشیعة، ص ۳۴.

۱۳. نقض الوشیعة أو الشیعة بین الحقایق و الاوهام، ص ۱۰ و ۱۱.

۱۴. نقض الوشیعة أو الشیعة بین الحقایق و الاوهام، ص ۱۰ و ۱۱.

تا جایی که خدیجة عباس حلمی او را حمایت کرده^{۱۹}؟ اینها صرفاً گمانه زنی هایی است و تقویت آنها نیازمند دلایل و اسناد قوی تر.^{۲۰}

معرفی مسائل جاراالله و الوشیعة

یک) مسائل جاراالله

جاراالله آثار حدیثی و کلامی را مطالعه کرده و برخی از مسائل برای او ناخوشایند جلوه کرده و به هیچ روی نمی تواند وجود آن مطالب در کتب شیعه را قبول کند. حتی بالاتر از آن گفته که اینها را امت اسلام هم نمی پذیرد و ائمه نیز به وجودشان راضی نیست و اصلاً به مصلحت اسلام نبوده و با بیشتر مصالح امت اسلامی در تضاد است. جاراالله در سفر دوم خود بر اساس مطالعات قبلی و مشاهدات خود در سفر به دو کشور شیعی ایران و عراق و برخی از شهرهای این دو کشور، جزوه ای با عنوان مسائل جاراالله در نجف به قلم می آورد. وی در آغاز مسائل بیست گانه چنین نوشته است: «و فی النهایة تبینت أن کتب الشیعة هذه قد أجمعت علی أمور لا تتحملها الأمة و اتفقت علی أشیاء كثيرة لا ترضیها الأئمة و لا تقتضیها مصلحة الإسلام و تناقض أكثر مصالح الأمة».^{۲۱} بعد از ذکر این مطلب، شروع به شمارش امور بیست گانه می کند. این مسائل بیست گانه را با توجه به تکراری بودنشان می توان در امور زیر خلاصه کرد:

مسئله ۱ - ۳: تکفیر صحابه و صراحت و شدت تکفیر خلیفه اول و دوم در کتب شیعه.

مسئله ۴: وقوع تحریف قرآن کریم در کتب شیعه.

مسئله ۵: اعتقاد شیعه مبنی بر طاغوت بودن حکومت ها و دولت های اسلامی، قاضیان و علمای آنها.

مسئله ۶: اعتقاد شیعه مبنی بر کافر بودن و اهل نار بودن همه فرقه های اسلامی غیر خودشان.

مسئله ۷: شیعه معتقد است جهاد غیر مشروع و حرام است (مانند خوردن گوشت خوک و مردار) مگر در کنار امام مفترض الطاعة باشد. بنابراین آنها معتقدند جهاد مسلمان نامشروع است.

مسئله ۸: امامان شیعه اقوال ائمه اهل سنت را بی اعتبار دانسته و دستور داده اند برخلاف گفته آنان عمل شود.

۱۹. در مذاکرات کرد علی، ج ۴، ص ۱۲۳۳ چنین آمده است: «أفاده أجله فی مصرفی ملجأ أم المحسنین و فی رعاية الأمیرة خدیجة عباس حلیم. فاشتد نعیه علی المسلمین». در جریده الاهرام (۲۶ اکتبر ۱۹۴۹م) نیز در این باره چنین آمده است: «توفی أمس العلامة موسی جاراالله، المولود فی راستوف دون بروسيا عن ۷۱ عاما فی ملجأ العجزة لأم المحسنین بمصر القديمة، حیث كان فی رعاية النبيلة خدیجة عباس حلمی. وصلى علیه فی المسجد الزینبی، ودفن بمقابر الأسرة الخدیویة بالعقیفی. ومما یذکر أن الفقیه کان من كبار علماء مسلمی الشمال فی روسيا، وقد نرح من وطنه فراراً من وجه البلاشفة».

۲۰. این احتمال را کریم الکمولی در مقدمه ردیه مسائل جاراالله تألف آیت الله شیخ هادی کاشف الغطا آورده است.

۲۱. الوشیعة، ص ۱۰۹.

جاراالله در تهران در مجالس وعظ و عزاداری شرکت کرده و بنا بر نوشته خودش چیزهایی را که در این مجالس دیده برنرفته و کراهت خود از این امور را به همراه چهار نکته در ورقی نوشته و در تاریخ ۱۹۳۴/۰۸/۲۶ میلادی به علامه امین داده است و از آن تاریخ به بعد دیگر علامه را ندیده است. این چهار نکته از این قرار است. آن چهار نکته در کتاب بازتاب یافته و پاسخ دریافته است.

جاراالله می نویسد: «در یکی از مجالس خطیبی مسائلی را بیان کرده که نشان می داد این ورقه دست به دست گشته است».^{۱۵}

چهار) نگاهی اجمالی به زندگی جاراالله گویای آن است که وی بسیار سفر کرده است. او پس از چاپ کتاب الوشیعة در مصر تا زمان مرگش در مصر به سفرهای زیادی رفته است. برای نمونه «او از مصر به هندوستان و از آنجا به ژاپن رفت و تا پایان سال ۱۹۳۸م در توکیو زندگی کرد. با آغاز دومین جنگ جهانی از ژاپن به هندوستان رفت و در آنجا به اتهام و استناد به طرفداری از ژاپنی ها توسط انگلیس ها بازداشت شد».^{۱۶} در همین سفر بود که توشی هیکو ایزوتسو (اسلام شناس ژاپنی درگذشته به سال ۱۹۹۳ میلادی) زبان عربی را از وی فراگرفت. بهمن ذکی پور در مورد فراگیری زبان عربی ایزوتسو در نزد جاراالله در مقاله «به سوی فرافلسفه شرقی؛ یادی از فیلسوف و اسلام شناس فقید توشی هیکو ایزوتسو» چنین نوشته است: «ایزوتسو در دوران دانشگاه مطالعه زبان های یونانی قدیم و لاتین و از میان زبان های شرقی در سن ۲۰ سالگی ابتدا آموختن صرف و نحو عربی را نزد خود آغاز کرد و به مطالعه متون ادبی به ویژه ادبیات عرب قبل از اسلام پرداخت. سپس، پس از آشنایی با عالمی تاتاری به نام «موسی جاراالله» در مسجد توکیو، به مدت دو سال نزد او به قرائت متون و دیوان شعرای عرب پرداخت».^{۱۷}

پنج) زرکلی در الأعلام در شرح زندگی و آثار جاراالله چنین نوشته است: «واضطربت عقیدته فی أعوامه الأخيرة. و مرض فی مصر، فدخل «ملجأ العجزة» بالقاهرة، و توفي به».^{۱۸} به راستی معنای عبارت «واضطربت عقیدته فی أعوامه الأخيرة» چیست؟ این «اضطراب در عقیده» را باید چگونه تفسیر کرد؟ می دانیم که جاراالله بعد از چاپ الوشیعة بیش از یک دهه در مصر زندگی کرد. آیا جاراالله در این مدت تغییر عقیده داده و به جرگه سلفی ها و وهابی ها گرویده. در این صورت علت منزوی شدن و به سربردن در «ملجأ العجزة» چگونه توجیه می شود. چرا سلفی ها او رها کردند. آیا ممکن است که جاراالله شیعه شده یا تمایل به اندیشه های شیعی پیدا کرده و به همین دلیل مورد بی اعتنایی و بی مهری واقع شده

۱۵. الوشیعة، ص ۲۶ - ۲۷.

۱۶. رک به: «موسی جاراالله؛ دانشمند و متفکر مسلمان تاتار، آینه پژوهش، شماره ۱۵۹، ص ۱۷ -

۱۷. سایت مرکز مطالعات ژاپن، تاریخ مراجعه ۱۳۹۵/۶/۱:

<http://japanstudies.ir/post/2094/>

۱۸. الأعلام، ج ۷، ص ۳۲۱.

الشیعة و الكتاب عندی محفوظ... راجعت مجتهدی الشیعة بهذه المسائل التي نقلتها من أمهات الشيعة عرضاً على سبيل الاستيضاح؛ عملاً بأمر الله في كتابه «فستلوا أهل الذکران کنتم لا تعلمون» ثم انتظرت سنة و زیادة ولم اسمع جواباً إلا من كبير مجتهدی الشیعة بالبصرة. فقد قام بوظیفته و تفضل على بكل أجوبته فی کتاب تزيد صفحاته على تسعين بكلمات فی الطعن فی العصر الأول أشد و أجرح من كلمات كتب الشیعة».^{۲۳}

دو) الوشیعة فی نقد عقائد الشیعة

الوشیعة از نظم مرسوم در کتاب‌ها برخوردار نیست. تکرار و حشوهای دارد. همچنین متن مسائل جارالله را در دل خورد جای داده. جارالله در الوشیعة بسته به تناسب بحث، موارد فوق را بسط و تفصیل می‌دهد. به دیگر سخن الوشیعة بسط یافته این موضوعات بیست‌گانه است. موضوعات دیگری هم وجود دارد که از ابتدا تا انتها به ترتیب و اختصار بدان‌ها اشاره می‌شود: شرح سفر به بلاد اسلامی^{۲۴} (به ویژه عراق و ایران) و بیان مشاهدات (قمه زنی در نجف، شبیه و تعزیه گردانی و...)، دو امر ناگوار در اسلام (قتل عثمان و امام حسین (ع))، نظریه عصمت ائمه یا عصمت امت، ذکر سیره و روش حکومت خلفای راشدین به تفصیل و به ترتیب، آیا حکومت‌های اسلامی، حکومت دینی بودند؟ (درج متن کامل مسائل بیست‌گانه در کتاب)، طعن کتب شیعه بر همسران پیامبر، عمل به وجده در شیعه، اعتقاد شیعیان به اختیارات بسیار وسیع برای امامان، غنیمت و خمس، قضیه فدک و حدیث «لا نورث»، تقیه و کتمان در شیعه، اعتقاد شیعه به تفویض امور به امامان، احادیث خلقت نوریه، علم غیب، احادیث مربوط به جفر و مصحف و جامعه و طومار وصیت، معراج رفتن امامان، اساس دین شمردن ولایت و کافر شمردن تارک ولایت، یهودی خواندن باور به بداء، بحث مفصل درباره نکاح متعه، انتقاد از وضعیت نابسامان زنان در ایران، ذکر مصادیقی از فهم بد برخی از آیات قرآن از سوی اهل ادب و علم و نقد آنان مثل ابن حزم اندلسی، اشاره به تغییرات و آبادانی در ایران و لزوم اصلاح مسائل مربوط به دین، عول در مسئله ارث، مطالبی با عنوان «مسائل علمیه فیها فوائد لطلبة»، تعصیب در مسئله ارث، سیره ابوبکر در زمان خلافت به سان سیره امام مهدی (ع) است! شیعه در کتب خود بدترین دشمن خود را اهل سنت و جماعت معرفی می‌کند، ذکر برخی از مسائل فقهی و اجتماعی شیعی (مانند احکام طلاق و موارث) که اعجاب و تحسین جارالله را در پی داشته، تحسین تبیین خاصی از ولایت که در احادیث شیعه آمده و تجلیل از روایاتی که شیعیان راستین را انسانی‌های با ورع و متقی و به دور از عداوت معرفی کرده است.

۲۳. الوشیعة، ص ۱۲۷.

۲۴. جارالله در مقدمه الوشیعة (ص ۲۲ - ۲۶) از سفرهای خود به کشورهای اسلامی (دو نوبت قبل از ۱۹۳۰ و بعد از آن) با عنوان «أهم ما رأیت»، گزارشی از وضعیت حوزه‌های علوم دینی و آبادانی و... در هند، افغانستان، ترکیه، ترکستان شرقی و غربی و... در چند صفحه ارائه می‌دهد.

مسئله ۹: در کتب تفسیر شیعه تأویل و تنزیل سوره‌ها و آیاتی در مدح امامان شیعه و پیروان آنها مشاهده می‌شود و برعکس سوره‌ها و آیاتی در کفر ابوبکر و عمر و پیروان آنها وجود دارد.

مسئله ۱۰: بحث تقیه در کتب شیعه.

مسئله ۱۱: طلاق عایشه به دست امام علی (ع)، جاری کردن حد بر عایشه توسط امام مهدی (ع) و خارج کردن ابوبکر و عمر از قبر و... .

مسئله ۱۲: عدم اعتقاد فقهای شیعه به در «عول در فرائض» (مسائل مربوط به صورت‌های خاص در تقسیم ارث).

مسئله ۱۳: نکاح متعه.

مسئله ۱۴: ارث بردن امام علی (ع) از پیامبر اکرم (ص) و حدیث «عرض» در کتب شیعه.

مسئله ۱۵: وحدت امت اسلامی و لزوم ترک لعن و تکفیر صدر اول.

مسئله ۱۶: جزای پیروی از امام عادل و امام جائز در کتب شیعه.

مسئله ۱۷: نسیء و تقویم اهل البیت در کتب شیعه.

مسئله ۱۸: شمار حج پیامبر (۲۰ حج) در کتب شیعه.

مسئله ۱۹: اعتقاد شیعه به وقوع حج سال نهم در ذی القعدة در دور نسیء.

مسئله ۲۰: عدم اهتمام شیعه به خواندن اصولی و حفظ قرآن کریم و وجود احایث حاکی از مصحفی خاص در دستان امام مهدی (ع) و... .

* * *

او توانست به کمک «جمعية الرابطة العلمية» نسخه‌های متعددی از این جزوه کم حجم را به دست علمای شیعه در برخی از شهرهای عراق مانند نجف، کاظمین و... برساند. احیاناً این مسائل توسط اشخاص دیگری هم که بدان دست یافته بودند، در برخی از شهرها و حتی دیگر کشورها به دست علمای شیعه رسیده بود. در این میان جارالله نسخه‌ای از این مسائل را با خط خود نوشته و به آیت الله سید حسن صدر در کاظمین ارسال می‌کند. تاریخ انتشار و ارسال این جزوه چهارشنبه ۲۳ ذی قعدة سال ۱۳۵۳ برابر با ۲۷ فوریه سال ۱۹۳۵ م است.^{۲۲}

جارالله در الوشیعة از انتظار خود برای پاسخ علمای شیعه و بازخورد آن این‌گونه سخن می‌گوید: فقط یکی از بزرگان شیعه در بصره پاسخ مرا در ۷۰ صفحه داده که آن هم حاوی طعن عصراول اسلام است: «هذه رسالتی فی مراجعاتی. وقد تفضل علیّ کبیر مجتهدی البصرة فی جوابها بکتاب فی تسعين صفحة؛ یؤیدنی فی کل ما نقلته من کتب

۲۲. هذه هي رسالة الرسالة التي كثرت نسخها في كراريس بسماعة الرابطة العلمية بالنجف الاشرف ووزعتها الرابطة العلمية الأساتذة النجف ومنها بقلمي قدمتها للسيد الصدر، شيخ مجتهدی الكاظمیة بغداد، والله ولی التوفیق». رك به: الوشیعة، ص ۱۰۷.

الفکیکی (وکیل و حاکم نجف) یکی از این آثار است. سیدحسن صدر در کاظمین نیز با نگارش رساله ای در موضوع نسیء^{۲۷} گامی در نقد تک موضوعی ادعاهای موسی جارالله برداشت. کتاب ها و مقالات دیگری هم وجود دارد که در آنها به نام جارالله و اثرش اشاره شده و معمولاً نقدی گذرا صورت پذیرفته، به ویژه در کتاب ها و مقالات مرتبط با نکاح متعه و تحریف قرآن.

دسته ای دیگر از ردیه ها عهده دار پاسخ به بیش از یک موضوع یا بیشتر موضوعات مطرح شده در مسائل جارالله یا الوشیعة است. برخی از این ردیه ها در دسترس بود و راقم سطور توانست از محتوای آنها گزارشی تهیه کند. برای برخی از نویسندگان ردیه های زیر که احیاناً از شهرت کمتری برخوردار بودند، شرح حال کوتاهی آورده شده است.

۱. نقض الوشیعة أو الشیعة بین الحقایق و الاوهام

علامه سیدمحسن امین عاملی (۱۲۸۴ ق - ۱۳۷۱ ق)

پیش تر به دیدار و گفتگوی موسی جارالله با علامه سیدمحسن امین اشاره شد. مصنف در مقدمه چنین آورده است: «همه روزه نوشتجات و کتاب هایی به دست من می رسد که بوی ایجاد تفرقه، روشن کردن آتش عداوت و تازه کردن کینه ها و زخم های کهنه را دارد، در حالی که مؤلفان این مکتوبات به روش اهل علم برخورد نکرده و آداب مناظره را رعایت نمی کنند، گاهی شتم و سب مخالفینشان را می کنند، در حالی که کتاب و سنت از چنین مسائلی نهی کرده است. اینان به دلیل عاجز بودنشان از دلیل محکم و متین از هیچ دروغی دریغ نمی کنند... نام یکی از این کتب الوشیعة فی نقد عقائد الشیعة، تألیف موسی جارالله ابن فاطمه است... در این کتاب بحث علمی دیده نمی شود، مگر ادعاهای بدون دلیل و متناقض و سب و شتم، عبارات بیهوده و مزخرف که مخالف اجماع مسلمین، ضروریات دین است و حال آنکه مؤلفش در انگیزه تألیفش می گوید: هدف من تألیف قلوب امة شیعه و اهل سنت است.»

علامه امین بعد از ذکر شبهه به صورت کوتاه و مختصر، جواب را مطابق نیاز و اهمیت سؤال (گاهی به اختصار و گاهی مفصلاً) بیان می کند. ابتدا معمولاً جواب نقضی می دهند، سپس شروع به جواب حلی می کنند و گاهی هم بالعکس. روش استدلال کتاب حاضر بیشتر جنبه اسکات خصم دارد، اگرچه جواب های داده شده مستدل به براهین محکم و متقن عقلی و نقلی است. از آنجا که در الوشیعة بیشتر مباحث تکراری زیاد است، علامه امین همه موضوعات مرتبط به هم را

۲۷. رک به: «فهرست نسخه های خطی کتابخانه سیدحسن صدر»، ص ۳۱۳، علی علیزاده آقکند، کتاب شیعه، شماره ۵، سال ۱۳۹۱. سیدحسن صدر به در این رساله هیچ اشاره ای به ردیه نویسی بر مطالب جارالله ندارد، ولی با توجه به اینکه نسخه از مسائل جارالله برای وی فرستاده شده به احتمال زیاد این رساله کوتاه تحت تأثیر این جزوه ارسال از طرف جارالله بوده است.

جارالله در الوشیعة به هنگام بررسی بیشتر موضوعات، کنایه و تعریض هایی به جامعه شیعی، علما و حتی برخی از ائمه زده است که این با ادعای اصلاحگری و دعوت به اتحاد بین فرق اسلامی در تعارض است.

چاپ، تهذیب و... الوشیعة

کتاب الوشیعة تاکنون از سوی ناشران مختلف مورد تحقیق، مقدمه و تهذیب قرار گرفته است. در ادامه مشخصات این چاپ ها ارائه می شود:

۱. الوشیعة فی نقد عقائد الشیعة، مکتبة الخانجی، قاهره، مصر، ۱۳۵۵ ق، ۳۱۲ ص.

۲. الوشیعة فی نقد عقائد الشیعة، الطبعة الثالثة: پاکستان، الناشر: سهیل آکادیمی لاهور ۱۴۰۳ ق / ۱۹۸۳ م، ۳۱۴ ص.

۳. الوشیعة فی نقد عقائد الشیعة، دراسة و تحقیق أ. د. محمد عمارة، مؤسسة الأزهر، مصر، ۲۰۱۴ م، ۳۶۸ ص.

۴. الوشیعة فی نقد عقائد الشیعة، الطبعة الأولى: القاهرة، دار البصائر، ۲۰۰۹ م، وزیری، ۳۳۲ ص.

۵. الوشیعة فی نقد عقائد الشیعة، تحقیق و تعلیق و تقدیم: جماعة من كبار العلماء، مکتبة الأزهریة للتراث، قاهره، [بی تا]، وزیری، ۲۸۷ ص.

۶. الوشیعة فی نقد عقائد الشیعة، مقدمه: الشیخ محمد احمد عرفة (عضو جماعة كبار العلماء)، مطبعة الکیلانی، ۳۲۷ ص.

۷. تهذیب الوشیعة فی نقد عقائد الشیعة، هذبه و قدم له و علق علیه و عرض أجوبة مراجع الشیعة علی مسأله: ناصر بن عبدالله الغفاری، الطبعة الأولى: [مصر]، مکتبة الإمام البخاری للنشر و التوزیع، ۲۰۱۳ م، وزیری، ۱۹۲ ص.

ردیه های مسائل جارالله و الوشیعة

ردیه های دانشمندان شیعه بر عنوانین فوق به دو دسته تقسیم می شود. دسته ای مربوط به یک مورد از موارد مطرح شده در مسائل جارالله یا الوشیعة است: المتعة و اثرها فی الاصلاح الاجتماعي^{۲۸} نوشته توفیق

۲۵. این اولین چاپی است که زمان حیات جارالله صورت گرفته است.

۲۶. در کتاب کذبوا علی الشیعة (در بخش متعة النساء أفضل القریات عند الشیعة)، ص ۶۵ چنین آمده است: «وللاستاذ عبد الهادی مسعود الأیاری وکیل وزارة الثقافة والإرشاد القومي بالقاهرة مقال عنوانه (زواج المتعة فی الإسلام) صدر به کتاب المتعة وأثرها فی الاصلاح الاجتماعي للأستاذ توفیق الفکیکی المطبوع فی القاهرة فی المطبعة العربیة عبر فیه عن رأیه فی المتعة الإسلامیة التي تقول بها الشیعة الإمامیة والتي شوه صورتها وحقیقتها وأخرجها عن واقعها المفسد لإبراهیم الجبهان الکاذب الأئیم الذي اعتبرها زنا، فقتطف منه ما یلی:... أما المتعة عند الشیعة فهي تدفع جرائم عدیة تهدد المجتمع کله بالدمار، وقد أوردنا إحصاء یکشف عن بعض هذه الجرائم، فیها المتزوج و فیها المتزوجة، و فیها الجیران و القریب الذي یدخل مستظلاً بقربانته، و الصدیق المستظل بصدافته، و الذي یغري المرأة و الذي تغريه المرأة».

کتاب آموزش علوم دینی بود و از مشوقان «جمعیة منتدی النشر» به شمار می آمد. وی در ۱۲ جمادی الثانیة ۱۳۷۳ق در نجف وفات یافت و در قبرستان وادی السلام در کنار پدر و مادر خویش به خاک سپرده شد. از آثار اوست: شرح کفایة الاصول، حاشیة تصدیقات شرح الشمسیة، رسالہ فی الوقف، رسالہ فی البداء، رسالہ فی الرهن، الاطوار، تعلیقات علی جواهر الکلام و...^{۳۱}

مؤلف در آغاز کتاب را نفحة طیف نور من الله فی إخماد نار موسی جاراالله نام نهاده و در زمان به چاپ رساندن اسم آن را به کشف الاشباه تغییر داده است. این اثر دوبار در ایران به زبان عربی چاپ شده است که در یکی از چاپها تقریظی از آقابزرگ طهرانی نیز وجود دارد.^{۳۲} با توجه به اینکه آقابزرگ در موضوع تحریف قرآن در این مدخل برای موضوع این کتاب برجسته کرده، احتمالاً همه کتاب یا بیشتر حجج آن در رد تحریف قرآن باشد.

چاپها

۱. کشف الاشباه؛ با مقدمه آقابزرگ تهرانی؛ ۱۹۴۹ م / ۱۳۷۰ ق، ۲۱۵ ص.^{۳۳}

۲. کشف الاشباه (فی رد موسی جاراالله)؛ دهلی: مطبعه برقی پریس، با مقدمه سید محمدحسن نواب صاحب لکهنوی نجفی، با مؤخره سید محمد مجتبی صاحب قبله بن سید محمد حسین صاحب نوگانوی با تقریظ شیخ محمد بن طاهر سماوی، به خط سید نفیس حسن نقوی امروہی، ۱۳۵۶ ق، وزیری کوچک، ۲+۵۴۰ (ستون نخست) [ش ۱/۱۸۹۶] متن عربی.

۳. ترجمه کشف الاشباه (اردو)؛ مترجم: سید محمد مجتبی صاحب قبله بن سید محمد حسین صاحب نوگانوی؛ دهلی: مطبعه برقی پریس، با مقدمه سید محمدحسن نواب صاحب لکهنوی نجفی، با مؤخره مترجم، به خط سید نفیس حسن نقوی امروہی، ۱۳۵۶ ق، وزیری کوچک، ۲+۵۴۰ (ستون دوم)، [ش ۲/۱۸۹۶].

حاشیة کشف الاشباه (اردو)؛ محشی: سید محمد مجتبی صاحب قبله بن سید محمد حسین صاحب نوگانوی، دهلی: مطبعه برقی پریس، با مقدمه سید محمدحسن نواب صاحب لکهنوی نجفی، به خط سید نفیس حسن نقوی امروہی، ۱۳۵۶ ق، وزیری کوچک، ۲+۵۴۰ (در هامش)، [ش ۳/۱۸۹۶].^{۳۴}

۳۱. فهرس التراث، ج ۲، ص: ۴۱۲ و طبقات اعلام الشیعة، ج ۱۵، ص ۱۰۶۴ - ۱۰۶۷.

۳۲. الذریعة، ج ۲۴، ص ۲۵۳.

۳۳. الذریعة، ج ۲۴، ص ۲۵۳.

۳۴. رک به: فهرست کتابهای چاپ سنگی کتابخانه میر جلال الدین محدث امروہی، ج ۱، ص ۶۰۴. نسخه ای از این سه اثر که در یک جلد به چاپ رسیده در کتابخانه محدث (وابسته به کتابخانه تاریخ ایران و اسلام قم) موجود است.

در یک جا گرد آورده و پاسخ می دهد. مصنف تا آنجا که ممکن است جواب را از مستندات و منابع خود اهل سنت می دهد، به طور مثال در ادله جواز جمع نمازهای ظهرو عصر و مغرب و عشاء به صحیح مسلم و بخاری استناد کرده و روایات مذکور را با سلسله سندشان ذکر می کند. ایشان مستشکل را به این نکته متنبه می کنند که مسئله اجماعی است و خود مستشکل هم به آن معتقدند و طبق آن عمل می کنند.^{۲۸}

علامه در اکثر شبهات در ابتدا خواننده را ملتفت این مطلب می کند که اساساً اشکال بی مورد است و شبهه بر اثر کم اطلاعی یا بی اطلاعی مستشکل ایجاد شده و توهمی بیش نیست. گاهی هم فرض می کند که چنین مسئله و شبهه ای باشد، لکن در جواب می فرماید: اگر مستشکل ادعا می کند این اشکال بر شیعه وارد است، چرا خود و هم سلکانش مرتکب این افعال و اقوال می شود؛ مثلاً در زیارت اهل قبور می نویسد: خود شما قبر امام ابی حنیفه، شیخ عبدالقادر گیلانی در بغداد، قبور اولیاء و صلحاء را زیارت می کنید و من این مسئله را بعینه در مصر مشاهده کرده ام.^{۲۹}

مصنف در لابلای استدلال گاه از حالت تدافعی خارج شده، شروع به ایراد و اشکال بر مستشکلین می کند.^{۳۰}

چاپ

نقض الوشیعة أو الشیعة بین الحقایق و الاوهام؛ علامه سید محمدحسن امین عاملی؛ بیروت، موسسة الاعلمی للمطبوعات، الطبعة الرابعة، وزیری، ۱۴۰۳ق، ۴۱۶ ص.

۲. کشف الاشباه فی الرد علی موسی جاراالله

شیخ عبدالحسین رشتی نجفی (۱۲۹۲ - ۱۳۷۳ق)

شیخ حسین رشتی نجفی در کربلا به دنیا آمد و بعد از اقامت در کربلا و نجف، در چهار سالگی به رشت رفت و در آنجا دروس مقدماتی و برخی از کتب فقهی را نزد پدر آموخت. سپس به تهران رفته و دروس فقه و اصول را نزد شیخ محمد حسین آشتیانی فراگرفت و به همان جا کلام و فلسفه را از استادان فن آموخت. به سال ۱۳۲۳ ق به نجف رفت و تحصیلات خود را در سطوح عالی فقه و اصول در نزد محمد کاظم طباطبایی یزدی و آخوند خراسانی آموخت.

وی شخصی بسیار محترم و اخلاقی و در عین حال شخصی علمی، دقیق و عمیق الفکر بود. در نجف شاگردان بسیاری داشت و به تدریس فقه و اصول و فلسفه و... می پرداخت. همچنین وی طرفدار تحول در

۲۸. نقض الوشیعة أو الشیعة بین الحقایق و الاوهام، ص ۱۹.

۲۹. نقض الوشیعة أو الشیعة بین الحقایق و الاوهام، ص ۲۱.

۳۰. نقض الوشیعة أو الشیعة بین الحقایق و الاوهام، ص ۲۹.

۳. أجوبة مسائل جاراالله

علامه عبدالحسین شرف الدین (۱۲۹۰ ق - ۱۳۷۷ ق)

عبدالحسین شرف الدین در این مقدمه این اثر می نویسد: «این مسائل از طرف هیئت رابطہ علمی ادبی نجف به دست من رسید. با این حال من از جای دیگر نیز به این سؤالات پی برده بودم». وی در مقدمه چنین می نویسد: «کنت اری ان الاقتصار علی هذا المقدار فی جواب مسائل موسی جاراالله اولی من الاستقصاء فی ردها، والامعان فی مناقشته علیها، فان هذا اقرب إلى السلام، وابقی للوثام ولكنني رأيتہ یلح فی تفصیل الجواب، حتی طرق فی ذلك کل باب^{۳۵} فلم یبق بد من اجابته، ولا سیما بعد ان کلفني بها من لا تسعني مخالفتهم من الاجلاء وفاضل العلماء».

همچنین عبدالحسین شرف الدین در پایان ردیه اش برای خودش و موسی جاراالله چنین می نویسد: «تمت (والحمد لله) هذه الرسالة في مدينة صور من جبل عامل سلخ ربيع الاول سنة ۱۳۵۴ بید مؤلفها الاقل الاحقر عبد الحسين... عامله الله بالفضل والحسنى وختم له و لموسى جاراالله ولجميع المؤمنين والمؤمنات بما هو احمد في العقبى والله المسؤول ان يجمع كلمتنا على الهدى انه السميع لمن دعا تبارك الله ربنا وتعالى».

با توجه به اینکه این ردیه در ربيع الاول ۱۳۵۴ قمری نگاشته شده است، قبل از چاپ الوشیعة بوده است. چندان که از نام أجوبة مسائل جاراالله پیداست، این اثر در جواب مسائل جاراالله است. علامه شرف الدین اثری به نام النجعة في المتعة هم دارد که پاسخ سؤالات موسی جاراالله درباره متعه را به ارجاع می دهد.^{۳۶}

چاپ

۱. أجوبة مسائل جاراالله؛ العلامة السيد عبدالحسین شرف الدین الموسوی؛ الطبعة الثانية؛ مطبعة العرفان، صیدا، ۱۳۷۳ق / ۱۹۵۳م.

۲. أجوبة مسائل جاراالله؛ تحقیق: عبد الزهراء الیاسری؛ تهران: المجمع العالمي لاهل البيت (ع)، وزیری، ۱۳۰، ص، ۱۴۱۶ق.

۳. أجوبة مسائل جاراالله؛ (ضمن موسوعة الإمام السيد عبدالحسین شرف الدین، ج ۴)؛ مركز العلوم والثقافة الاسلامية (قسم إحياء والتراث الإسلامي)، الطبعة الاولى؛ بیروت، لبنان، دار المؤرخ العربي، ۱۴۳۱ق.

ترجمه

۱. بیست پاسخ به موسی جاراالله؛ ترجمه: محمد مختار شاهمی طبسی

(با مقدمه محمد مهدی آصفی)؛ انتشارات جهان آرا، تهران، [بی تا] (تاریخ مقدمه ۱۳۵۲/۱۰/۲۵)، جیبی، ۳۲۲ ص.

۲. جواب اشکالات موسی جاراالله؛ ترجمه: علی روحانی نجفی اصفهانی؛ چاپخانه محمدی، اصفهان، ۱۳۷۲ق، ۱۵۷ ص.

۴. الرد علی مسائل موسی جاراالله

آیت الله شیخ هادی کاشف الغطا (۱۲۹۰-۱۳۶۱ق)

شیخ هادی به سال ۱۲۹۰ق در نجف به دنیا آمد. او از خاندان بزرگ و معروفی علمی کاشف الغطاء بود. پس از طی مقدمات علوم، فقه و اصول رانزد شیخ الشریعة اصفهانی، سید کاظم یزدی، شیخ محمد طه نجف و آخوند خراسانی فراگرفت. در شعروادب شهره بود و از بنیانگذاران نهضت ادبی سده ۱۴ق شناخته می شد. همچنین وی فقیه، مورخ و محقق برجسته ای به شمار می آمد. وی به سال ۱۳۶۱ق درگذشت و در مقبره خانوادگی در کنار پدر و برادر خود به خاک سپرده شد.

از شیخ هادی آل کاشف الغطاء آثاری برجای مانده است که برخی از آنها بدین قرار است: المقبولية الحسنية، المستدرک علی نهج البلاغه، مدارک نهج البلاغه، ضمیمه مستدرک، اوجز الاتیاء فی مقتل سید الشهداء، ضمیمه المقبولیه الحسینیه، هدی المتقین، شرح بر شرائع الاسلام، البرهان المبین فی من یجب اتباعه من النبیین، حاشیه بر کتاب طهارت شیخ انصاری، قاموس المحرمات، قاموس الواجبات، رساله فی الزواحیات و...

کاشف الغطاء این ردیه را در سال انتشار مسائل جاراالله و با فاصله اندک و در کمال عجله نگاشته است. مؤلف در جواب مسئله ۱۷ (با موضوع نسیء) نوشته که مجال مراجعه به برخی از منابع را نداشته است. (ص ۵۸ - ۵۹) گفتنی است این ردیه به صورت مختصر سامان یافته. مؤلف در مقدمه گفته است: «وقد طلب مني بعض طلبه العلم من أهل النجف الأشرف أن أكتب ما یسنخ لي من الجواب عنها علی سبیل الإيجاز والله الموفق». (ص ۲۲)

نسخه خطی این اثر به خط مؤلف و نسخه ای از مسائل جاراالله به خط کاتبی غیر کاشف الغطاء و ختم شده به تویق موسی جاراالله در کتابخانه شخصی شیخ هادی کاشف الغطاء وجود دارد.

چاپ

الرد علی مسائل موسی جاراالله؛ تحقیق: کریم الکمولی؛ الطبعة الاولى؛ بیروت، ۱۴۳۵، وزیری، ۱۵۰، ص.^{۳۷}

۳۷. این رساله به همراه رساله فی اللعن و فضل العلویین تالیف آیت الله شیخ هادی کاشف الغطاء به چاپ رسیده است. ردیه کاشف الغطاء در صفحات ۶۲، ۶۳ و همچنین مسائل بیست گانه جاراالله نیز در ص ۶۳ - ۸۲ به چاپ رسیده است.

۳۵. إذ رفع مسألته هذه إلى علمائنا الاعلام في ايران، وفي البصرة ثم رفعها إلى اعلام المجتهدین في الكاظمية المقدسة، ثم إلى شیوخ الاسلام في النجف الأشرف ثم البنا بواسطة الرابطة العلمية الادبية النجفية كما بینا وكلف الجميع بالجواب. (رک به: مقدمه أجوبة مسائل جاراالله) ۳۶. الذریعة، ج ۲۴، ص ۶۸

۵. شیعة الهدی

شیخ مهدی حجار نجفی (۱۳۱۸ ق - ۱۳۵۸ ق)

شیخ مهدی در سال ۱۳۱۸ ق در ناحیه حیره به دنیا آمد. مقدمات و مبادی علوم را در سن ۱۰ سالگی در کوفه آغاز کرد. سپس برای تکمیل تحصیلاتش به نجف رفته و باقی علوم ادبی را در نزد استادان معروفی آموخت. از استادان علوم دینی وی به اشخاص زیر می توان اشاره کرد: آقا ضیاء عراقی، شیخ حسین نائینی، شیخ جواد بلاغی و شیخ احمد کاشف الغطاء.

وی در هشتم شعبان ۱۳۵۸ ق در چهل سالگی درگذشت و پیکرش از معقل به سوی زُبیر و از آنجا به نجف اشرف انتقال یافت. سید ابوالحسن اصفهانی بر پیکر سفیر خود نماز گزارد و سپس بنا به وصیت خودش در قبرستان وادی السلام دفن شد. شیخ مهدی در نظم و شعر تبخّر خاصی داشت و به همین دلیل بیشتر آثار وی به نظم است. از آثار اوست: دیوان شعر، البلاغ المبین، فوز الدّارین فی نقض العهدين و ...

شیخ مهدی حجار این ردیه را پیش از ردیه نگاری ضمنی علامه امینی در الغدیر نگاشته است؛ علامه امینی در الغدیر نوشته است: «سخن درباره این یاوه سرایی ها موکول به فرصت گسترده تری است و شاید چنین فرصتی در آینده دست دهد؛ چنان که علامه فقیه، شیخ مهدی حجار نجفی، ساکن معقل، برخی از وقت خود را به ابطال سخنان بی پایه اش مصروف داشت».^{۳۸}

چنان که در معرفی مسائل جارا لله گذشت، خود جارا لله هم به ردیه اشاره کرده است. بنا بر اطلاعاتی که آقابزرگ در الذریعة آورده است: شیخ مهدی حجار ردیه ای در رد الوشیعة (جارا لله) و الإسلام الصحيح (نوشته محمد إسعاف نشاشیبی) نوشته و آن را طی ۵۳ روز نگاشته و در ۸ ذی قعدة سال ۱۳۵۷ به پایان برده. آقابزرگ نسخه ای از این کتاب را به خط باقر بن حبیب آل نوح رؤیت کرده و از روی همین نسخه حسن قبانچی به سال ۱۳۶۷ استنساخ کرده است.^{۳۹} آقابزرگ از چاپ این اثر خبر داده،^{۴۰} حال آنکه در جای دیگر نوشته در زمان حیات مؤلف به چاپ نرسیده است.^{۴۱} نسخه ای که آقابزرگ به آن اشاره کرده در مؤسسه کاشف الغطاء العامة در نجف با نام «نقض الوشیعة» نگهداری می شود.^{۴۲}

۶. نظرة فی کتاب الوشیعة لموسی جارا لله

علامه عبدالحسین امینی (۱۳۲۰ ق - ۱۳۹۰ ق)

کتاب حاضر توسط احمد الکنانی تدوین گشته و در قالب یک کتاب به چاپ رسیده است. این اثر در حقیقت پاسخی از سوی علامه امینی به شبهات موسی جارا لله در دو موضوع عصمت امت و نیز ازدواج موقت است که در جلد های سوم (ضمن بحث از ۱۶ کتاب که در آنها به شیعه افترا های نامربوط زده اند) و ششم (ضمن بحث از متعه) الغدیر مطرح شده است. این نقد پس از انتشار الوشیعة به نگارش در آمده است.^{۴۳}

این کتاب در دو موضوع عصمت امت و ازدواج موقت در دو بخش سامان یافته است:

بخش اول: در پاسخ به نظریه عصمت امت اسلام در کلیات و جزئیات دین اسلام و بی نیاز گردیدن امت از

۳۸. الغدیر، ج ۳، ص ۳۲۴.

۳۹. الذریعة، ج ۲۴، ص ۲۹۱-۲۹۲. همچنین بنگرید: الذریعة، ج ۹، ص ۷۰۱؛ الذریعة، ج ۱۴، ص ۲۷۴.

۴۰. الذریعة، ج ۱۴، ص ۲۷۴.

۴۱. الذریعة، ج ۲۴، ص ۲۹۱-۲۹۲.

۴۲. اطلاعات این نسخه به لطف فاضل ارجمند جناب آقای مصطفی درایتی به دست آمد. اطلاعات دقیق تر مربوط به این نسخه چنین است: شماره نسخه: ۵۹۱۱، تاریخ کتابت: ۱۳۵۷، خط: محمد باقر بن حبیب آل نوح حلی، تعداد صفحات: ۲۳۸ صفحه. (رک به: دلیل مخطوطات مؤسسه کاشف الغطاء العامة، ج ۱، ص ۴۴۶).

۴۳. الغدیر، ج ۳، ص ۴۴۱.

زرکلی در الأعلام در شرح زندگی و آثار جارا لله چنین نوشته است: «و اضطربت عقیدته فی أعوامه الأخيرة. و مرض في مصر، فدخل «ملجأ العجزة» بالقاهرة، و توفي به». به راستی معنای عبارت «و اضطربت عقیدته فی أعوامه الأخيرة» چیست؟ این «اضطراب در عقیده» را باید چگونه تفسیر کرد؟

وجود معصومی دیگر بعد از رسول خدا (صلی الله علیه و آله).

بخش دوم: در پاسخ به پندار جارالله در موضوع ازدواج موقت که آن را نوعی نکاح از ایام جاهلیت دانسته است.

مؤلف این بخش را با مطالبی پاسخ داده است که سرفصل‌های آن بدین شرح می باشد: المتعه فی القرآن؛ حدود المتعه فی الاسلام؛ اول من نهي عن المتعه؛ الصحابه و التابعون؛ رأی الخلیفه فی المتعتین؛ متعة الحج و

علامه امینی در الغدیر در آغاز نقدش به مطالب جارالله چنین نوشته است: «هیچ مایل نبودم نامی از این کتاب به میان آید و کمترین آوایی از آن بگوش برسد؛ زیرا بیش از آنکه آن را نام تألیف نهیم شایسته است نام رسوائی و فضیحت بر آن اطلاق گردد، ولی چاپ و انتشار کتاب مرا بر آن داشت تا جامعه را در جریان ارزش نویسنده اش قرار دهم و نمونه ای از صفحات تیره اش را بر آنان فرو خوانم که هر برگش ننگی بر امت اسلامی و هر صفحه اش فضیحتی زنده تر برای قوم اوست. من نمی دانم درباره کتاب مردی که کتاب الهی و سنت پیامبرش (ص) را پشت سر انداخته و خودسرانه به حکم و نقد و ایرادی پردازد چه نویسم؟ درباره کسی که ناروا سخن می گوید و دروغ می باند، نسبت نادرست می بندد و لقب ناسزا می سازد و با کتاب خدا بازی می کند و با رأی ناچیز خود آن را تفسیر می نماید».^{۴۴}

علامه امینی در ادامه نوشته است: «سخن با او درباره این یاوه سرایی‌ها موکول به فرصت گسترده تری است و شاید چنین فرصتی در آینده دست دهد، چنان که علامه فقید شیخ مهدی حجاج نجفی ساکن معقل برخی از وقت خود را به ابطال سخنان بی پایه اش مصروف داشت».^{۴۵}

چاپ

نظرة فی کتاب الوشیعة لموسی جارالله؛ اعداد: احمد الکنانی؛ الطبعة الاولى؛ مشعر، جبیبی، ۱۱۹ ص، ۱۳۷۹ (فروست: من فیض الغدیر ۳)

کتابنامه

۱. علیزاده آفکنند، علی؛ «فهرست نسخه های خطی کتابخانه سید حسن صدر»؛ کتاب شیعه، شماره ۵، سال ۱۳۹۱.
۲. کانلی دره، احمد؛ موسی جارالله، دانشمند و متفکر مسلمان تاتار؛ ترجمه: احمد رنجبری حیدر باغی؛ آینه پژوهش، شماره ۱۵۹، تابستان ۱۳۹۵، صفحه ۱۲-۱۷.
۳. زرکلی، خیرالدین؛ الاعلام؛ الطبعة السادسة عشرة، بیروت؛ دار العلم للملین، ۲۰۰۵ م.
۴. موسی جارالله؛ تاریخ القرآن و المصاحف؛ الطبعة الاولى، پترسبورغ؛ المطبعة الاسلامية، ۳۸ ص، ۱۳۲۳ ق / ۱۹۰۵ م.
۵. دلیل مخطوطات موسسه کاشف الغطاء العامة، قسم الذخائر للمخطوطات مؤسسه کاشف الغطاء العامة؛ الطبعة الثانية، لبنان - بیروت؛ شركة صحیح للطباعة و التجلید، ۲۰۱۳ م.
۶. تهرانی، آقابزرگ؛ الذریعة إلى تصانیف الشیعة؛ چاپ اول، قم؛ انتشارات اسماعیلیان و تهران؛ کتابخانه اسلامیه، ۱۴۰ ق.
۷. الرد علی مسائل موسی جارالله؛ تحقیق: کریم الکمولی؛ الطبعة الاولى، بیروت؛ ۱۴۳۵، وزیري، ۱۵۰ ص.
۸. الرد علی مسائل موسی جارالله؛ تحقیق: کریم الکمولی؛ الطبعة الاولى، بیروت؛ ۱۴۳۵، وزیري، ۱۵۰ ص.
۹. تهرانی، آقابزرگ؛ طبقات اعلام الشیعة؛ الطبعة الاولى، بیروت؛ دار احیاء التراث العربی، ۱۴۳۰ ق.
۱۰. امینی، عبدالحسین؛ الغدیر فی الکتاب و السنة و الادب؛ مرکز الغدیر للدراسات الاسلامیه - چاپ اول، قم؛ ۱۴۱۶ ق.
۱۱. حسینی جلالی، سید محمد حسین؛ فهرس التراث؛ قم؛ انتشارات دلیل ما، ۱۴۲۲ ق.
۱۲. فهرست کتاب های چاپ سنگی کتابخانه میر جلال الدین محدث ارموی؛ نگارش: حسین متقی؛ فتح الله ذوقی، چاپ اول، تهران؛ کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، قطع رحلی، ۲ جلد، ۱۳۸۸ ش.
۱۳. الرضوی، محمد الرضی؛ کذبوا علی الشیعة؛ [بی نا]، [بی تا]، ۳۹۱ ص.
۱۴. کرد علی، محمد؛ مذاکرات کرد علی؛ الطبعة الاولى، ریاض؛ أضواء السلف، ۲۰۱۰ م.
۱۵. امین عاملی، علامه سید محسن؛ نقض الوشیعة أو الشیعة بین الحقایق و الاوهام؛ الطبعة الرابعة، بیروت؛ موسسه الاعلمی للمطبوعات، وزیري، ۱۴۰۳ ق، ۴۱۶ ص.
۱۶. الوشیعة فی نقد عقائد الشیعة؛ مقدمه: الشیخ محمد احمد عرفه (عضو جماعة کبار العلماء)؛ مطبعة الکیلانی، ۳۲۷ ص.

سایت

سایت مرکز مطالعات ژاپن: <http://japanstudies.ir>

سایت دانشنامه تخصصی کتاب شناسی و زندگی نامه: <http://wikinoor.ir/>

۴۴. الغدیر، ج ۳، ص ۴۴۰ - ۴۴۱.

۴۵. الغدیر، ج ۳، ص ۴۴۱.